

خواستن و نتوانستن



رضا ابوتراب

نویسنده و نورولوژیست

بیمار، آقای میانسال‌ی است. یک‌سال است که گوش‌اش وزوز می‌کند، نایلون پر از قرص‌اش را روی میز مطبم خالی می‌کند و لابه‌لای قرص‌ها چندپسته‌و پوست‌تخمه‌به‌طرفم قل می‌خوردند و درست لب میز می‌ایستند. با خجالت تا کمر روی میزم خم می‌شود و آنها را جمع می‌کند. می‌گوید، یک‌سال است با وجود مصرف همه این قرص‌ها، صدای لعنتی گوش‌اش حتی یک لحظه هم قطع نشده و آنقدر مستأصل است که حتی چندبار تصمیم گرفته خودش را بکشد. با حالت اعتراض می‌پرسد: این‌همه علم پیشرفت کرده، چرا وزوز گوش من درمان نمی‌شود؟ حتی اگر جراحی هم بخواهد، حاضرم تا آمریکا هم بروم تا این صدا قطع شود. مدارک‌اش را نگاه می‌کنم؛ چندین و چند ام.‌آر.‌آی، سی‌تی و نوآر گوش دارد. به او می‌گویم برای این صدا هیچ درمانی وجود ندارد. شما فقط یک راه دارید و آن اینکه؛ با این صدا دوست شوید و با آن زندگی کنید. اول جامی خورد و می‌پرسد، یعنی هیچ درمانی ندارد؟ می‌گویم خیر! حتی در آمریکا؟ حتی در آمریکا! با چهره‌ای درهم خداحافظی می‌کند و می‌رود. سسمه بعد این‌بار به‌علت کم‌درد شدید برمی‌گردد، ولی سرحال‌تر بغض می‌رسد. می‌پرسم راستی از آن صدا چه‌خبر؟ می‌خندد و می‌گوید، دیگر خیلی اذیت‌م نمی‌کند، چه می‌شود کرد، درمان ندارد دیگر! از یک تحقیق جالب‌مشخص شده افسردگی و اضطراب زنانی که تحت درمان‌های نازایی هستند، بعد از یائسه‌شدن و قطع آخرین امیدها برای بچه‌دار شدن، به‌طور واضحی بهبود می‌یابد. درواقع وقتی از چیزهایی که نمی‌توانیم درست‌شان کنیم به‌کلی ناامید می‌شویم، حالمان بهتر از وقتی می‌شود که هنوز نیمچه‌امیدی داریم؟ خانواده کسانی که عزیزشان سرطان دارد تا وقتی حتی یک‌درصد به بهبود او امیدوارند، بسیار آشفته‌حال‌اند؛ ولی کمی بعد از وقتی که همه دکنرها جواب‌شان می‌کنند، آرام‌تر می‌شوند. عاشقانی که معشوق‌شان آنها را ناامید کرده ولی هنوز مجرد است، حال بدتری از آنهایی دارند که معشوق‌شان ازدواج کرده باشد. آدم‌هایی که در زندگی، انتظاراتی معمولی دارند که رسیدن به آنها خیلی هم سخت نیست، حال بدتری از آدم‌هایی دارند که شانس رسیدن به آرزوها و آرزمان بزرگ‌شان در حد برنده‌شدن در بلیت بخت‌آزمایی است. درواقع وقتی بدانیم که نمی‌توانیم، حالمان بهتر از زمانی است که ندانیم که نمی‌توانیم دائم شکست بخوریم. زمانی بود که روشنفکران ریشه همه ناتوانی‌ها را در نخواستن و ندانستن جست‌وجوی می‌کردند. آنها می‌گفتند دانستن باعث درست‌خواستن می‌شود و خواستن هم که همان توانستن است. ولی با اینکه به‌لطف فضای مجازی «دانستن» تبدیل به کالایی در دسترس همه شده است و تقریباً بیشتر مردم خوب می‌دانند چه چیزهایی را باید بخواهند، ولی باز هم خواستن، توانستن نیست. برای سال‌های‌سال خیلی‌ها فکر می‌کردند کافی است تا مردم دنیا محاسن دموکراسی را بفهمند و بخواهند تا دموکراسی در همه‌عالم فراگیر شود، ولی امروزه با وجود بیشتر دانستن و بیشتر خواستن دموکراسی، تعداد دولت‌های دموکراتیک در عالم سال‌به‌سال در حال آب رفتن است. زمانی همه فکر می‌کردند به‌زودی خواهند توانست دنیا را تبدیل به دهکده‌ای جهانی، بدون مرز و بدون تعصب کنند ولی نه‌تنها نتوانستند، بلکه سال‌به‌سال دیوارهایی که کشورها دور خودشان می‌کشند، بلند و بلندتر می‌شود. سال‌هاست بیشتر مردم دنیا دیگر به آنهایی که رویا فروشی می‌کنند و تکه‌کلام‌شان خواستن و توانستن است، رأی نمی‌دهند و در ایران ما هم آنکه می‌گفت، می‌خواهم و می‌توانم، رأی کمتری از کسی آورد که بیشتر از دانستن و نتوانستن گفت، شاید ما ایرانی‌ها اگر مانند‌ان بیماری که وقتی فهمید وزوز گوش‌اش هیچ درمانی ندارد حال‌اش بهتر شد، آن روزی که بفهمیم نه‌تنها رسیدن به زمان گروش کبیر یا سال‌های عظمت ایران بلکه حتی رسیدن به اوضاع ۲۰ سال پیش‌مان هم لاف‌لا تا سال‌های‌سال ممکن نیست، حال بدتری پیدا کنیم. البته به‌نظر می‌رسد حالا به‌سیاری از ایرانیان مدت‌هاست فهمیده‌اند خواستن توانستن نیست، دیگر نوبت مسئولان ماست که چون مردم ایران، این را بفهمند و به نتوانستن اعتراف کنند. سیاستمداران فنلاند سال‌ها ماشین‌های قراضه روسی را می‌خریدند و درحالی‌که در کشورشان آزادی رسانه‌ای برقرار بود، یک کلمه‌از کمونیست‌ها انتقاد نمی‌کردند؛ چون فهمیده بودند که در هیچ صورتی نمی‌توانند با همسایه ترسناک‌شان یعنی شوروی دربیفتند و البته ۵۰ سال صبر کردند تا زمان نتوانستن فرا برسد. شاید روزی که هم مردمان، هم مسئولان ما معنای نتوانستن را بفهمند و کمتر بخواهند، آن روز مثل آن کسی که می‌فهمد نمی‌تواند از شر وزوز گوش‌اش خلاص شود یا آن عاشقی که یقین پیدا می‌کند باید معشوق‌اش را برای همیشه فراموش کند یا زنی که مطمئن می‌شود دیگر هرگز نمی‌تواند بچه‌ای را در رحم‌اش بزرگ کند، درهای رحمت و شادی روی همه باز شود. گاهی قبول شکست و نتوانستن، شجاعانه‌ترین و قهرمانه‌ترین کار عالم است و شاید اولین سیاستمدار ایرانی که جرأت کند نتوانستن را فریاد بزند، بتواند به یکی از بزرگ‌ترین قهرمانان ایران تبدیل شود.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور)• حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



شگفتی‌ای که در ریاض خلق شد

بررسی عملکرد درخشان تیم ملی هندبال زنان ایران در گفت‌وگو با هانیه کریمی بازیکن این تیم

گفت: «قرارداد باشگاهی به‌صورت حرفه‌ای داریم ولی مبلغ آن، چنان بالا نیست که قابل عرض باشد.» کریمی درخصوص اینکه آیا شغل اصلی هندبالیست‌های خانم همین رشته ورزشی است یا خیر افزود: «شغل اصلی بچه‌ها اکثرًا هندبال است ولی قراردادها خیلی بالا نیست. البته‌دو، سه بازیکن شغل‌های دیگر هم دارند اما شغل اصلی‌شان همین هندبال است.»

ویدئویی از حس وطن‌پرستی

بعد از کسب مدال برنز تیم ملی هندبال زنان، ویدئویی توسط ملی‌پوشان ایران در شبکه‌های اجتماعی فراگیر شد که این بار نه‌تنها حاشیه درست نشد بلکه فدراسیون هندبال نیز در حمایت از زنان ورزشکار، این ویدئو را به‌صورت رسمی در اینستاگرام منتشر کرد که با بازخورد بسیار مثبت جامعه ایران همراه شد؛ ویدئویی که جنس وطن‌پرستی داشت. دراین‌باره هانیه کریمی گفت که این ایده اصلاً از پیش طراحی‌شده نبوده و بازیکن‌ها به‌یک‌باره تصمیم گرفتند در اوج شادی این ویدئو را ضبط کنند: «ویدئویی که منتشر کردیم خیلی خودجوش بود و به‌خاطر موقعیتی که کسب کردیم، این ویدئو را ضبط کردیم. اصلاً با برنامه قبلی نبود و فکر نمی‌کردیم تا این حد دیده شود.»

مربی کلاس جهانی با اهدافی بزرگ

تیم ملی هندبال زنان ایران خود را برای حضور در بیست‌وهفتمین دوره مسابقات هندبال قهرمانی بانوان جهان که ۶ تا ۲۳ آذرماه امسال به میزبانی مشترک دو کشور آلمان و هلند برگزار می‌شود، آماده می‌کند. طبعاً حضور موفق در مسابقات کشورهای اسلامی برای هندبال‌زان ایران افتخار بزرگ‌و البته‌تیم‌رین مناسب پیش از شروع مسابقات قهرمانی جهان است که با تیم‌های به‌مراتب سخت‌تر و قوی‌تر برگزار می‌شود. آنآ کریستیاناسیائور، مربی برجسته اهل کشور پرتغال که هم در دوران حضورش به‌عنوان بازیکن، هم در دوران مربیگری کارنامه درخشانی داشت، شهرپورماه امسال با عقد قراردادی دو ساله هدایت تیم ملی هندبال زنان ایران را برعهده گرفت تا در مسابقات کشورهای اسلامی و از هم‌مهم‌تر در مسابقات قهرمانی جهان عملکرد دختران ایران بهبود پیدا کند. «اسیائور» ۴۸ ساله که یکی از ستاره‌های تاریخ هندبال زنان پرتغال محسوب می‌شود، ۲۱۵ بازی ملی را در کارنامه دارد و همراه با تیم ملی کشورش برای نخستین‌بار در سال ۲۰۰۸ به‌عنوان قهرمانی اروپا دست پیدا کرد. او همچنین نزدیک ۲۰ جام مختلف به‌عنوان بازیکن در رده باشگاهی پرتغال کسب کرده و چندین بار به‌عنوان بهترین بازیکن این کشور هم انتخاب شد. این مربی پرتغالی سابقه مربیگری در تیم‌های پایه، جوانان و امید کشورش را در کارنامه دارد.

هانیه کریمی درخصوص هدفی که تیم ملی هندبال با این مربی پرتغالی دارد، گفت: «هدف بزرگ‌تر ما این است که در هر دوره مسابقات آسیایی که شرکت می‌کنیم با مدال به کشور ایران برگردیم و ازطرف دیگر سهمیه جهانی را نیز در هر دوره کسب کنیم تا در مسابقات بین‌المللی حضور فعال‌تر و پررنگ‌تری داشته باشیم و افتخار آفرینی کنیم. پیشرفت در ورزش تیمی بسیار سخت است و نیازمند برنامه‌ریزی حرفه‌ای است. هندبال هم ورزشی است که کشورهای اروپایی بسیار قدرتمند و مطرح هستند ولی ما هم در چندسال اخیر پیشرفت قابل‌توجهی داشتیم و نگاه دنیا را نسبت به حودمان تغییر دادیم.» آنچه مشخص است در این مدت کوتاه مربی پرتغالی توانسته کیفیت فنی بازیکن‌ها را بهبود بخشد. هانیه کریمی نیز چنین عقیده‌ای دارد: «مربی ما اخیراً به جمع ما اضافه شده و مربی‌ای است که در بالاترین سطح هندبال دنیا کار کرده و با علم روز این رشته آشنایی کامل دارد. تاثیر ایشان خیلی خوب بوده و امیدوارم که در درازمدت هم بتواند به بازیکنان هندبال دانش‌اش را انتقال دهد تا این موفقیت ادامه‌دار باشد.» باید دید تیم ملی هندبال زنان ایران که اواخر آذرماه درگیر مسابقات قهرمانی جهان در سال ۲۰۲۵ خواهد شد، می‌تواند همین عملکرد درخشان در مسابقات قهرمانی کشورهای اسلامی را از خود نشان دهد یا خیر. آنچه مشخص است اینکه این بازیکن‌ها با حضور چندساله در کنار هم به هماهنگی نسبی رسیده‌اند و می‌توانند در هر رقابتی بار دیگر موفق ظاهر شوند.



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

کاروان ایران در مسابقات کشورهای اسلامی ۲۹ مدال طلا، ۱۹ نقره و ۳۳ مدال برنز کسب کرد، اما بی اغراق یکی از ارزشمندترین مدال‌ها که به رنگ برنز بود، مدال تیم ملی زنان هندبال ایران بود که در جمع برترین تیم‌های قاره آسیا و دو تیم اروپایی و چند تیم قدرتمند آفریقایی برای اولین بار در تاریخ این رشته، روی سکورفت. تیم ملی هندبال زنان ایران در دیدار رده‌بندی با پیروزی بسیار ارزشمند مقابل ازبکستان توانست روی سکوی سوم این رقابت‌ها قرار بگیرد و شگفتی خلق کند. این تیم که حالا مدال برنز مسابقات کشورهای اسلامی را یدک می‌کشد، نگاه دنیا را به خود تغییر داده و می‌خواهد در قامت رقابت‌های جهانی نیز عرض اندام کند. در این گزارش علاوه بر بررسی عملکرد تیم ملی هندبال زنان ایران، گفت‌گویی با خانم هانیه کریمی، بازیکن تاثیرگذار تیم داشتیم تا درخصوص موفقیت اخیرشان در ریاض صحبت کنیم.

اردوهای منظم

چند وقت اخیر فدراسیون هندبال توجه ویژه‌ای به رشته زنان در این رشته داشته است، به‌خصوص طی سالیان اخیر با توجه به اینکه هندبال زنان در دو، سه دوره اخیر توانسته به مسابقات جهانی راه پیدا کند سرمایه‌گذاری و توجه برای تکرار موفقیت‌ها بیش از قبل شده است. در این دوره، تیم‌های قدرتمند بیشتری در رشته هندبال حضور یافتند و اتفاقاً همین امر باعث شد تا موفقیت تیم ملی هندبال زنان ایران ارزشمندتر از همیشه شود. هانیه کریمی، هندبالیست تیم ملی ایران، در گفت‌وگو با هم‌میهن درخصوص سطح کیفی مسابقات گفت: «سطح کیفی مسابقات کشورهای اسلامی در شهر ریاض بسیار بالا بود. دو کشور اروپایی مثل ترکیه و آذربایجان و چند کشور آفریقایی نیز در این دوره حضور داشتند. آماده‌سازی اردوها از مردامه‌ا آغاز شد و به‌طور منظم فدراسیون هندبال اردوهای تیم ملی را نظارت کرد تا برگزار شود. به‌لحاظ سخت‌افزاری نیز شرایط هندبال زنان در قیاس با گذشته بسیار مطلوب است و بدون اغراق، نقضی وجود ندارد. اینکه مسئولان به بازیکن‌ها و اعضای کادر فنی توجه کنند تا در مسیر موفقیت قرار بگیریم بسیار ارزشمند است.»

موفقیتی که با شکست آغاز شد

تیم ملی هندبال زنان ایران در دور مقدماتی کار خود را با شکست برابر ترکیه آغاز کرد، اما با روحیه‌ای مثال‌زدنی در بازی‌های بعدی مقابل گینه و مالدیو به پیروزی‌های قاطعانه دست یافت و برای نخستین‌بار به مرحله نیمه‌نهایی این رقابت‌ها صعود کرد. در نیمه‌نهایی، بانوان ایران با وجود ارائه بازی درخشان، در دیداری سخت برابر قزاقستان، تیم باسابقه و قدرتمند این رقابت‌ها، شکست خوردند و به دیدار رده‌بندی راه یافتند. در دیدار رده‌بندی اما سرمربی تیم تاکتیکی تهاجمی را در پیش گرفت تا بازیکن‌ها با ذهنیت برنده وارد زمین شوند. سرمربی پرتغالی تیم ایران، آنآ کریستیاناسیائور، پس از بازی رده‌بندی با اشتیاق خاصی درخصوص این مسابقه صحبت کرد و گفت: «این افتخار بزرگی برای ماست. بازیکنان با شجاعت فوق‌العاده‌ای بازی کردند و شایسته این موفقیت هستند. این مدال تنها آغاز راه است.»

قرارداد رسمی اما با مبلغ ناچیز

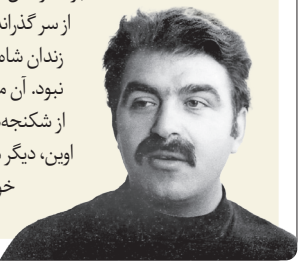
حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد هندبالیست‌های مردان، در ایران قراردادی بالغ بر ۲ تا ۳ میلیارد تومان به‌ازای هر فصل دارند. البته که در قیاس با فوئبالیست‌ها رقم بسیار ناچیزی است اما شاید برای مخاطبان رشته هندبال جالب باشد که بدانند رقم قرارداد هندبالیست‌های زن، در قیاس با مردان تفاوت چشمگیری دارد. هانیه کریمی درخصوص مبلغ قرارداد بازیکنان هندبال به هم‌میهن

چهره

آهسته آهسته مُرد

غلامحسین ساعدی، دوم آذرماه ۱۳۶۴ در ۵۰ سالگی در پاریس درگذشت؛ نویسنده، شاعر و فعال سیاسی چپگرایی که پیشه‌اش روانپزشکی بود اما شهرت‌اش را بیش از هر چیز از آثار مهمی داشت که در عرصه‌های متنوع سفرنامه، رمان، شعر، فیلمنامه و نمایش نامنویسی عرضه کرده بود. کافی است به یاد بیاوریم فیلمنامه فیلم‌های شاخص سینمای قبل از انقلاب، «گاو»، «دایره مینا» و «آرامش در حضور دیگران» براساس داستان‌های ساعدی نوشته شده‌اند و صاحب‌نظران، برخی از نمایشنامه‌های او را در تحول تناتر ایران مؤثر دانسته‌اند. ساعدی سابقه روزنامه‌نگاری نیز داشت و از دوران دبیرستان وقتی به سازمان جوانان حزب توده پیوست، انتشار روزنامه‌های «فریاد» و «صعود» را هم به‌عهده گرفت. در کنار همه این ابعاد، او عضو کانون نویسندگان ایران نیز بود و البته گرایش‌های سیاسی‌اش هم برکسی پوشیده نبود. در سال ۱۳۵۲ به زندان افتاد و تجربه‌ای تلخ را

از سر گذراند. شاملو دربارۀ او نوشت: «آنچه از او، زندان شاه را ترک گفت؛ جنازه نیم‌جانی بیش نبود. آن مرد، با آن خلاقیت جوشان‌اش، پس از شکنجه‌های جسمی و بیشتر روحی زندان اوین، دیگر مطلقاً زندگی نکرد. آهسته‌آهسته در خود تهید و تهید تا مُرد.»



کتابخانه

جست‌وجوی معنا در دنیای بدون خدا

کتاب «سایه خدا: کانت، هگل و گذار از ملکوت به تاریخ» نوشته مایکل روزن، پژوهشی عمیق و جامع در مورد یکی از مهم‌ترین تحولات تاریخ اندیشه غرب است که نشر ققنوس به‌تازگی آن را وارد بازار کرده است. نویسنده در این کتاب نقش برجسته دو فیلسوف بزرگ، ایمانوئل کانت و فریدریش هگل را در انتقال از جهانی الهیاتی به

جهانی تاریخی و انسانی تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه هرکدام از این اندیشمندان با مفاهیم نوآورانه خود، نگرش‌های ما به تاریخ، آزادی و عقلانیت را دگرگون کرده‌اند. این کتاب همچنین با دقت و وضوح شرح می‌دهد

که چگونه کانت با نقد عقل نظری و تأکید بر خودآیینی، زمینه‌ساز گذار فلسفه از آسمان به زمین شد و هگل نیز با فلسفه تاریخ و دیالکتیک خود، تاریخ را به عرصه‌ای برای تحقق آزادی و روح انسانی تبدیل کرد. این تحلیل‌ها نه‌تنها به بررسی جنبه‌های نظری فلسفه می‌پردازد؛ بلکه به‌نوعی چشم‌انداز جدیدی از انسان مدرن ارائه می‌دهد که در آن دیگر خدا به‌عنوان نیرویی بیرونی و الهی، جایگاه اصلی ندارد، اما ردپای او همچنان در تاریخ و عقل انسانی دیده می‌شود. خواندن این کتاب، برای علاقه‌مندان به فلسفه آلمانی و اندیشه مدرن، گزینه مناسبی است تا بتوانند پیچیدگی‌های فلسفه کانت و هگل را با زبانی روشن و قابل فهم درک کنند.



کتاب: سایه خدا

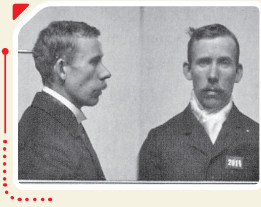
نویسنده: مایکل روزن

مترجم: حسین نیک‌بخت

انتشارات: ققنوس

تاریخ

آخرین اعدام در سوئد



یوهان آلفرد آندر، آخرین فردی بود که در سوئد اعدام شد. این اقدام پس از آن صورت گرفت که آندر ۳۶ ساله به جرم قتل در جریان یک سرقت که در ژانویه ۱۹۱۰ انجام شده بود،

حکم اعدام را دریافت کرد. حکم او نیز مشمول تخفیف نشد و در ۲۳ نوامبر با گیوتین اعدام شد. این تنها باری بود که از گیوتین در سوئد استفاده شد، زیرا تازه در سال ۱۹۰۶ بود که طبق قانون مصوب جدید، این دستگاه جایگزین گردن‌زدن دستی شده بود. این اعدام تنها اعدام در زمان پادشاه گوستاو پنجم هم بود و اگر چه تا سال ۱۹۷۳، مجازات اعدام در سوئد حداقل برای برخی از جرائم به‌عنوان یک مجازات قانونی باقی ماند و حتی سوئد از آخرین کشورهای اروپایی بود که مجازات اعدام را لغو کرد، اما در عمل هیچ‌گاه در حد فاصل سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۷۳، هیچ محکومی در سوئد به این مجازات محکوم نشد. آمارها نشان می‌دهد بین سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۸۶۶، ۶۴۴ اعدام در سوئد انجام شد که پس از اسپانیا، دومین آمار بالای سرانه در اروپا بود. پس از اصلاح قانون مجازات نیز تعداد اعدام‌ها به ۱۵ نفر کاهش یافت.